

### متن پرسش

سلام . استاد :بنده سالها پیش رمان می نوشتم و برای تدوین آن، مجبور بودم شخصیت‌های داستانها را در ذهنم پرداخته کنم، فلذا خودم، در خیالات، نقش یکی از شخصیت‌های داستان را بازی می کردم و با خیالپردازی و تخیل، دیالوگها را تدوین میکردم و ...بعدها، تصمیم گرفتم با توجه به اینکه هیچ انگیزه الهی در این کار نبود، به طورکامل این قضیه را قطع کنم. اما مشکل این است که با توجه به پرورش قوه تخیل-شاید هم توهم-الان در ارتباطاتم با دیگران و کلا مسائل مختلف، ذهنم فعالانه، شروع به خیالپردازی می کند. مثلا فلان روز با یک نامحرم -که البته ناخواسته علاقه ای هم درمیان هست-جلسه دارم، ناخودآگاه ذهنم از قبل دچار توهمات می شودو...چه کنم این مشکل حل شود؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: به نظرم کتاب «ادب خیال و عقل و قلب» می‌تواند کمک کند. موفق باشید